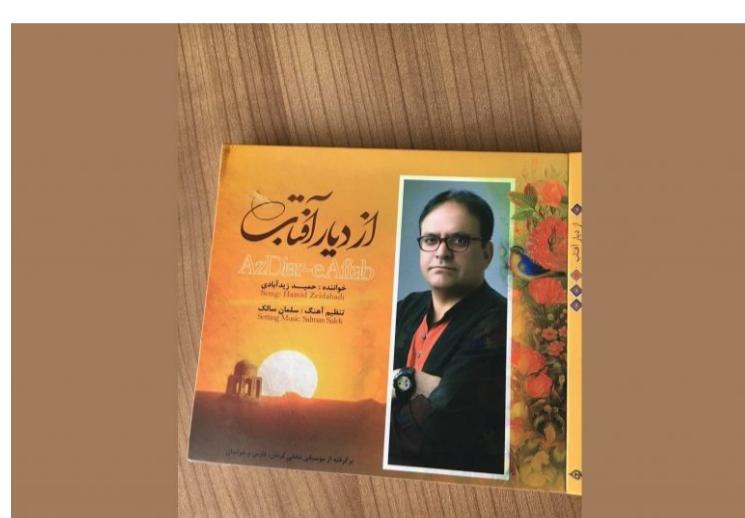


## صداسازی در موسیقی ایرانی محدود به ردیف نیست حمدی زیدآبادی: سختکوشی مردم کویر در موسیقی‌شان نمود دارد



کد خبر: ۴۳۴۵۹۱ | ۰۷ بهمن ۱۴۰۰ - ۱۳:۵۳

حمدی زیدآبادی (آوازخوان اهل سیرجان) می‌گوید: اینطور هم نیست که منطقه ما موسیقی نداشته باشد و آوازهایی داریم که به کرمان و شهرهای این استان اختصاص دارد.



ایلنا: موسیقی اقوام را نمی‌توان در مجموعه‌ای بزرگ و متنوع و بی‌نقص، یکجا سراغ داشت. این اتفاق پس از هزاران سال قدمت در موسیقی کشور رخ نداده و هرچه بوده مقطعي و گذرا و پر ایراد و ناکامل بوده است. البته در این سال‌ها برخی موسیقی‌پژوهان و مستندنگاران عرصه هنر آثاری را ثبت و ضبط کرده‌اند. پیش از آن‌ها هم این هنرمندان موسیقی نواحی مختلف کشور بوده‌اند که بدون هرگونه حمایت و بدون ریالی سود مالی به جمع‌آوری آثار موسیقایی‌شان، بر اساس روایات معتبر بزرگان هنر هر قوم پرداخته‌اند و درنهایت جدا از این‌ها اتفاق کلان‌تری رخ نداده است.

توجه و حمایت از خوانندگان و نوازندگان نواحی یکی از راه‌های نگاهداری میراث گذشتگان است؛ اتفاقی که در میان انبوه مشکلات و کاستی‌ها گم شده و کمتر مسئول و هنرمندی به آن توجه دارد. در چنین شرایطی تنها راه پاسداری از آثار پرقدمت گذشته، تولید آثاری در قالب مجموعه‌هایی کوچک با عنوان آلبوم است؛ اتفاقی که طی این سال‌ها در عرصه موسیقی نواحی کمتر رخ داده است. حال در این میان این را هم در نظر داشته باشیم که برخی مناطق موسیقی مهجورتری دارند و بیش از دیگر مناطق در خطر فراموشی هستند.

استان کرمان و شهرهای توابع آن از جمله سیرجان یکی از همین مناطق است. موسیقی کرمان نسبت به موسیقی هرمزگان و خوزستان و بوشهر کمتر مورد توجه بوده تا آنجا که بسیاری از اهالی موسیقی و مردم تصور می‌کنند این منطقه موسیقی مستقلی ندارد. در صورتی که همه اقوام ایرانی موسیقی منحصر به خود را دارند، آنها هم که موسیقی مستقل ندارند در فرهنگ قومی و ادبیات عامه خود ترانه‌ها و افسانه‌ها و روایت‌هایی دارند که نحوه بیان آنها زبان و لحنی موسیقایی است. استان کرمان و توابع آن نیز از این مهم مستثنی نیست.

معمولًا از موسیقی سیرجان کمتر شنیده‌ایم. حمید زیدآبادی، آوازخوان موسیقی محلی اهل سیرجان است و از محضر اساتید مطرح بهره برده و تجربه فراگیری و فعالیت در عرصه موسیقی سنتی را هم دارد. او آلبومی را در کارنامه دارد که «از دیار آفتاب» نام دارد و تنظیم‌کننده آن سلمان سالک است. این اثر مجموعه‌ای از موسیقی محلی استان‌های فارس، خراسان و کرمان است.

زیدآبادی در گفتگو با ایلنا ضمن توضیح درباره جزئیات آلبوم، از وضعیت موسیقی سیرجان گفت و به وجود اشتراک موسیقی کرمان با دیگر مناطق هم‌جوار پرداخت.

**کمی درباره سیرجان و موقعیت آن بگویید.**

سیرجان در مجموع جزو شهرهایی است که اوضاع اقتصادی بدی ندارد. ما معدن گل گهر را داریم که شناخته شده است. کشاورزی هم یکی دیگر از شغل‌های مرسوم سیرجان است و اغلب به کشت پسته اختصاص دارد. متسافانه سال قبل بر اثر سرما حدود نود درصد محصولات پسته شهرستان از بین رفت و ضرر اقتصادی زیادی برای مردم منطقه داشت. اما در کل سیرجان به لحاظ تجاری و اقتصادی وضعیت خوبی دارد. بیشتر مردم سیرجان مانند اهالی شهری چون گرگان، کامیون‌دار هستند. سیرجان در میان دیگر شهرهای استان هم اوضاع بهتری دارد. در کل زرنده، سیرجان، رفسنجان و شهر کرمان از دیگر شهرهای استان وضعیت بهتری دارند.

از ویژگی‌ها و نقطه تمایزات موسیقی کویر بگویید. به هر حال اقلیم و جغرافیا هم یکی از عوامل مهمی است که بر موسیقی هر منطقه تاثیر دارد.

اول اینکه اقوام و افرادی که در کویر زندگی می‌کنند، سختکوش هستند و این سختکوشی در زندگی و کارشان نمود دارد. مثلاً

درختی که در منطقه ما رشد می‌کند، پسته است. درخت پسته مانند دیگر گونه‌ها نیست و نحوه پرورشش متفاوت و خاص کویر است. این درخت باید هر پنجاه روز یکبار آبیاری شود؛ آنهم نه آب معمولی، بلکه آب شور. البته اگر آب شیرین باشد، فوق العاده است اما درخت پسته با شوری هم سازگار است. مشکل اینجاست که آبها دیگر شور هم نیستند، تلخ شده‌اند. بگذاریم... می‌خواهم بگویم درخت پسته باید در چنین هوا و فضایی رشد کند و خودتان می‌دانید که یکی از مرغوب‌ترین کالاهای صادراتی ایران است. این روند سخت، سختکوشی پرورش دهنده آن را می‌طلبد. چند روز پیش، شب ساعت یازده، دوازده هوا سیرجان به هفت درجه زیر صفر رسید. سرما در منطقه ما خشک و وحشتناک است و گرمای آن تا پنجاه درجه هم می‌رسد این ویژگی‌ها به هر حال زندگی اهالی کویر را تحت تاثیر قرار می‌دهد و صبر و سختکوشی زیادی را می‌طلبد. همه اینها روی موسیقی و فضا و لحن و بیان آن هم تاثیر می‌گذارد. مورد دیگری که وجه اشتراک مناطق کویری به حساب می‌آید، حزن و غمی است که در موسیقی‌شان وجود دارد. حتی آثار شاد و موسیقی‌هایی که در جشن‌ها هم اجرا می‌شوند این حزن را در خود دارند. نمونه بارز این حزن و اندوه را در صدای زنده‌یاد ایرج بسطامی خواننده توانمند موسیقی ایرانی که اهل شهر بم در استان کرمان بود، می‌شنوید.

### این حزن و اندوه البته در کلیت موسیقی دستگاهی ایران احساس می‌شود.

همینطور است. به قول استاد شجریان؛ زمانی که تاریخ را ورق می‌زنید، متوجه اتفاقات و بلاپایی زیادی خواهید شد که در طول زمان برای کشور رخ داده و اگر اندوهی در موسیقی ایرانی احساس می‌شود، دلیلش همین گذشته تاریخی است.

شما در مجموعه «از دیار آفتاب» به سه لهجه و گویش شیرازی، خراسانی و کرمانی خوانده‌اید. نخ تسبیح این مجموعه چیست؟

اگر به نقشه بنگرید متوجه می‌شوید شهر سیرجان اولین و نزدیک‌ترین شهر به استان فارس و شیراز است. لهجه‌ها هم تا حدودی شبیه هم هستند. مثلاً برخی مواقع زمانی که ما سیرجانی‌ها صحبت می‌کنم، می‌گویند شما شیرازی هستید؟ موسیقی‌ها هم بر اساس همه این تشابهات دارای شباهت‌هایی است. حال نمی‌دانم اینکه موسیقی کرمان آنطور که باید شنیده نشده و مورد توجه قرار نگرفته دلیلش شاید کاهلی ماست یا دلایل دیگر دارد. حالا اگر از شمال شرق استان کرمان طی مسیر کنید به خراسان می‌رسید. اینطور بگویم که منطقه ما بین استان‌های فارس و خراسان قرار گرفته، یعنی از شرق به خراسان می‌رسیم و از غرب با فارس هم‌جواریم. موسیقی خراسان بسیار غنی است و خب این هم‌جواری‌ها وجود اشتراکی در موسیقی ایجاده کرده است.

### موسیقی فولک تا چه حد فعالیت‌های شما را دربرگرفته؟ و نزد چه استادانی تعلیم دیده‌اید؟

من شخصاً به موسیقی فولکور علاقه بسیار دارم. در شروع فعالیتم افتخار شاگردی نزد استاد صدیق تعریف را داشتم. من سال هفتاد در تهران سرباز بودم و این فرصت دست داد تا از محضر ایشان در فراغیری آواز بهره ببرم. استاد تعریف اهل منطقه غرب کشور هستند. حین رفت و آمد نزد ایشان به موسیقی کردی و گروه «کامکارها» هم علاقمند شدم. همنشینی با استاد تعریف و سکونت در تهران باعث شد بعدها با برخی دوستان همکاری کنم. به طور مثال آقای عط الله سلامیه دفنواز کردی است که در تهران افتخار آشنایی با ایشان را پیدا کرد. آقای سلامیه آن زمان که هنوز سیدی جای نوارکاست را نگرفته بود، در یکی از آثارام افتخار را داد که برایم دف بنوازد و اثر را در تهران ضبط کردیم. چند شبی هم در سیرجان کنسرت داشتم و آقای عط الله سلامیه آمدند و با هم به اجرای برنامه پرداختیم. می‌خواهم بگویم آن آشنایی‌های قبلی بعدها باعث همکاری‌هایی شد. در مجموع با کردها ارتباط خوبی پیدا کردم و آن‌ها و موسیقی‌شان را بسیار دوست دارم.

از سلایق صدیق تعریف در موسیقی بگویید.

استاد تعریف به موسیقی محلی علاقه دارند و همواره بر وجود آن تاکید داشته‌اند. ایشان با گروه «کامکارها» آلبومی دارد که مربوط به موسیقی کردی است و «کردانه» نام دارد. شخصیت استاد تعریف بسیار جالب و دوست داشتنی است. ایشان در عین مهربانی در کارشان بسیار جدی هستند و وسوس ایشان در دارند. این وسوس در کلاس‌های آموزشی و نحوه تولیدات و اجرای ایشان هم قابل مشاهده است. از آنجا که در ابتداء شاگرد ایشان بودم، تحت تاثیر این روحیه قرار گرفتم.

### آیا حضور در کلاس‌های صدیق تعریف باعث شد روی موسیقی فولکوریک تمرکز کنید؟

من از همان ابتداء به موسیقی فولکوریک کشور و موسیقی محلی منطقه خودمان علاقه زیادی داشتم و حضور در کلاس‌های استاد تعریف به آن جدیت بیشتری بخشید؛ و گرنه اینگونه نبوده که انتخابی نباشد.

### در موسیقی دستگاهی به فراغیری چه مواردی پرداخته‌اید؟

من افتخار این را داشته‌ام که در کلاس‌های آقای حمیدرضا نوربخش هم حضور یابم. ایشان یکی از شاگردان بدون واسطه محمدرضا شجریان هستند. من با نظارت و تعلیم ایشان روی مقوله صداسازی کار کردم.

شما در آثارتان تحریرهایی دارید که به موسیقی ایرانی تعلق دارند. موسیقی ایرانی تا چه حد بر کم و کیف فعالیتتان در زمینه آواز تاثیر داشته؟

موسیقی ایرانی برگرفته از موسیقی نواحی است و این دو از یکدیگر دور نیستند. دلیل دیگر این اتفاق هم فراگیری صداسازی در موسیقی است. زمانی که برای صداسازی نزد استادان آواز می‌روید، معمولاً آن‌ها ردیف را با شما کار می‌کنند. یعنی مثلاً از درآمدها و گوشه‌های مختلف شروع می‌کنند و به موارد دیگر می‌رسند. آقای نوربخش اما رویه‌ای دیگر داشتند و بر اساس آنچه از استاد شجریان آموخته بودند به آموزش شاگردانشان می‌پرداختند و فکر می‌کنم همچنان طبق همان تز شاگردانشان را آموزش می‌دهند. کلا در زمینه صداسازی دو تز وجود دارد. برخی افراد حس موسیقایی قوی دارند اما صدایشان خوش و دلنشیں نیست. حتی در ردیف‌خوانان و آوازخوانان، بزرگانی چون استاد محمود کریمی و عبدالله دوامی اینگونه بوده‌اند. این افراد سواد بسیار داشتند و خیلی بلد بوده‌اند اما صدای خوشی نداشته‌اند. برخی هم صدای خوشی دارند، اما فاقد حس موسیقایی هستند. نظر و تاکید استاد شجریان بیشتر بر زیبایی صدا بوده است. استاد رضوی سروستانی هم اینطور بوده‌اند که حس موسیقایی فرد برایشان اهمیت داشته است.

در نهایت شما رویه‌ای را پیش گرفتید که شجریان بر آن تاکید داشت؟

بله در بخش صداسازی با راهنمایی و مساعدت‌های استاد نوربخش روی تحریرها کار می‌کردیم. «یکی»، «دوتایی»، «نقلى»، «بلبلی»، «چکشی» و «ناقوسی» برخی تحریرهایی است که از آن سال‌ها در ذهنم مانده است. آن زمان که در تهران زندگی می‌کردم با وجود آنکه به خدمت سربازی مشغول بودم، اما زمان کافی برای تمرین داشتم و مبحث تحریرها برایم اهمیت داشت.

خیلی‌ها نظرشان این است که استان کرمان موسیقی منحصر به خود را ندارد و هر آنچه در این رابطه وجود دارد مربوط به موسیقی‌های مناطق دیگر است!

البته شاید کاهلی و تنبیلی ما هم در این قضیه دخیل بوده است. اینطور هم نیست که منطقه ما موسیقی نداشته باشد، آوازهایی را داریم که به کرمان و شهرهای این استان اختصاص دارد. مثلاً آوازی داریم که به آن «غريبخوانی» یا «آبادونخوانی» گویند که تقریباً به آواز دشتی یا دشتستانی شباهت دارد. ما آوازهای چوپانی داریم و «آبادونی» یا «آبادونخوانی» یکی دیگر از مراسم ماست که با موسیقی همراه است. «آبادونی» نوعی آواز گروهی است که معمولاً در مجالس شاد و عروسی‌ها اجرا می‌شود.

شما برخی آثارتان را با لهجه کرمانی می‌خوانید که برای مخاطب تازگی دارد اما بسیاری از خوانندگان روی لهجه و گویش کار نمی‌کنند.

به هر حال شرایط تغییر کرده و اتفاقی درحال رخ دادن است. آن اتفاق دوری نسل جدید از گویش و لهجه و زبان مادری است. من در همان سال‌ها که تهران بودم، با روزنامه‌ها هم همکاری می‌کردم و برایشان می‌نوشتم ولی لهجه‌ام ذره‌ای تغییر نکرد؛ در حالی که هشت سال از سیرجان دور بودم. زمانی که برگشتم دوستان و اقوام از اینکه لهجه‌ام تغییر نکرده تعجب می‌کردند. اینطور به نظر می‌رسد که نسل جدید با لهجه و گویش مشکل دارد. درحالی که اگر با کرمانی‌ها صحبت کنید از لهجه‌ای که دارند لذت می‌برید، لهجه اصفهانی و یزدی همینطورند. لهجه همه مناطق ایران زیباست. در هفته کرمان‌شناسی، ما در فضای باز برج میلاد به اجرای «آبادونی» پرداختیم و جالب است که بگوییم با اینکه شب بود و هوا تاریک شده بود، به طرز شگفت‌انگیزی مورد استقبال قرار گرفتیم. ساعت تقریباً یازده و نیم شب بود و برج میلاد رو به تعطیل شدن بود. می‌خواهم بگویم موسیقی کرمان جذابیت‌هایی دارد که برای غریب‌های جذاب‌تر است.

طی سال‌های اخیر واکنش مردم را نسبت به موسیقی فولک شهرستان چگونه دیده‌اید؟

وقتی در محفلی می‌خوانم، متوجه می‌شوم که مخاطبان واکنش نشان می‌دهند و می‌گویند این نوع خواندن کلاس کار را پایین می‌آور德. در صورتی که من همچنان با افتخار به اجرای موسیقی فولک می‌پردازم، چون اینها ترانه‌های محلی ما هستند و جزو میراث ما به حساب می‌آیند.

اینطور به نظر می‌رسد که ترانه‌های منطقه شما بیش از موسیقی‌های است.

به هر حال استان کرمان ترانه‌های زیادی دارد و ما در سیرجان هم ترانه‌های متعددی داریم. متأسفانه این آثار باقدمت در همه

این سال‌ها آنطور که باید ثبت نشده‌اند و خب این رویه در آینده به نفع موسیقی ما نخواهد بود. البته ما در سیرجان خانم مهری موید محسنی را داریم. ایشان در زمینه پژوهش فعالیت‌های متصر ثمری داشته‌اند و ترانه‌های سیرجان را گردآوری کرده‌اند. کتابی دارند که «فرهنگ عامیانه سیرجان» نام دارد و مجموعه‌ای از آداب و رسوم، خرافات، عواطف و احساسات، مثل‌ها، باورها و اشعار محلی مردم سیرجان است که به صورت موضوعی تدوین شده. «گویش مردم سیرجان، مجموعه‌ی لغات و اصطلاحات و ضرب المثلها» «فرهنگ عامیانه مردم رامهرمز» آثار دیگری از خانم موید محسنی هستند.

**چرا بعد از آلبوم «از دیار آفتاب» دیگر مجموعه‌ای از آثار فولک منتشر نکردید.**

در چند سال اخیر بیشتر درگیر برگزاری کنسرت بوده‌ام و علاوه بر اجراهای داخلی، در عراق، اقلیم کردستان و اربیل به اجرای برنامه پرداخته‌ام. در جشنواره‌هایی چون موسیقی فجر و آواها و نواها حضور یافته‌ام. پس از سال نود و پنج که در فرهنگ‌سرای نیاوران به اجرای کنسرت پرداختیم به کشور گرجستان و شهر تفلیس رفت و مدتی آنجا زندگی کردم و کنسرت‌هایی را هم برگزار نمودم. کلا دور بودن از مرکز هم سختی‌هایی در روند ساخت آثار دارد و تولید آلبوم را هم با دشواری مواجه می‌کند. آلبوم «از دیار آفتاب» هم به جز چند نوازنده همشهری، با همکاری برعی از نوازندگانی میسر شد که ساکن پایتخت بودند. یا مثلا موسسه‌ای که ساخت و نشر را به عهده داشت در خیابان سهورودی است و آقای سلمان سالک تنظیم کننده نیز کرمانی نیستند و در کرمان زندگی می‌کنند. مورد دیگر اینکه خودم باید برای تولید آلبوم هزینه کنم و رفت و آمدها و ساخت قطعات به عهده خودم است. بدتر اینکه بودجه صرف شده برخواهد گشت و در چنین اوضاعی طبیعی است که تولید آلبوم نداشته باشم. واقعیت دیگر این است که اهالی هنر هوای هم را ندارند و این به سختی‌های دیگر می‌افزاید.

**اداره ارشاد کرمان و شهرستان سیرجان چقدر در جریان فعالیت‌های شماست؟**

متاسفانه اداره شهر ما فعالیت چندانی ندارد.

**این روزها مشغول چه کاری هستید؟**

من بازنشسته هستم و کم و بیش فعالیت‌های هنری هم دارم. بیشتر در زمینه آموزش فعالم و تلاش می‌کنم و مواردی را که از استادانم آموخته‌ام، در طبق اخلاص می‌گذارم و آن‌ها را به نسل‌های بعدی آموزش می‌دهم. پس از کنسرت در کشور عراق هنرمندان شهرهایی چون اربیل تماس می‌گیرند و دعوت می‌کنند، اما خب شرایط هنوز به گونه‌ای نیست که بتوان به چنین فعالیت‌هایی پرداخت و همچنان درگیر بحران کرونا هستیم. به هر حال امیدوارم اتفاقات خوبی رخ دهد. اگر توجه کنید هنرمندانی که از شهرستان به تهران نقل مکان کردند نسبت به هم شهربانشان پیشرفت بیشتری کرده‌اند و حال هم اوضاع بهتری دارند.

**۶ لینک کوتاه :** <https://musiceiranian.ir/?p=۴۳۴۵۹۱>

② منبع : اینلا

**برچسب ها**

حمید زیدآبادی

**مطلوب مرتبه با این خبر**

**ثبت دیدگاه**      **مجموع دیدگاهها :** ۰      **در انتظار بررسی :** ۰      **انتشار یافته :** ۰